

درباره مبدا گاهشماری ساسانیان



مری بویس

خانم پروفیسور مری بویس در نامه ی مورخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۱ به نویسنده نوشته است:

«هما یون عزیز»

همه پذیرفته اند سلوکیان نخستین کسانی بودند که مفهوم مبدا در گاهشماری را - که ابتکاری درخشان و عملی بود - ابداع کردند. از آغاز سده بیستم آشکار شد اشکانیان، پس از راندن سلوکیان از ایران و تثبیت شاهنشاهی اشکانی، مبدا خود را که برابر با سال ۲۴۷ پ. م بود - لابد همان سالی که اشکانیان در پرتو واقع در شمال شرقی فلات ایران به قدرت رسیدند - اعلام داشتند. در طول فرمانروائی اشکانیان، بر طبق اندک شواهد موجود، ایرانیان این مبدا را برای تاریخگذاری خود بکار می بردند. مردم غیر ایرانی تابع آنان، مانند یونانیان و بابلیان، آزاد بودند تا هم چنان از مبدا سلوکی استفاده کنند. در اسناد بابلی بازمانده از آن روزگار هم از مبدا اشکانی استفاده شده و هم از مبدا سلوکی. این اسناد برای تطبیق تاریخ گذاریهای با این دو مبدا سودمند.

حال مسئله ای مطرح می شود که امپراتورم بتوانی راه حلی برای آن پیشنهاد کنی. ساسانیان چون به قدرت می رسند ظاهراً می توانسته اند یکی از سه راه زیر را انتخاب نمایند:

- مبدا سلوکی را بکار برند.

- از مبدا اشکانی استفاده کنند.

- مبدا خودشان را وضع کنند.

اما هیچ یک از سه راه فوق را نگزیدند. با همان روش کهن و دست و پاگیر هخامنشیان، که تاریخ رویدادها را با سالهای جلوسی شاهان خود محاسبه می کردند، چرا چنین کردند؟

شواهد روز افزون حکایت از آن دارد، همانگونه که یارشاطر پیشنهاد کرده ساسانیان میراث خوار هخامنشیان نبوده بلکه وارث اشکانیان بوده اند. فرمانروائی اشکانیان بمراتب بیشتر از حکومت هخامنشیان دوام آورد. در تمام این مدت سرزمین پارس را خاندان های کم اهمیت محلی، که با جگزار اشکانیان بودند، اداره می کردند. تمام مکاتبات اشکانیان با این شاهان محلی با مبدا اشکانی تاریخگذاری می شد. بنابراین شاهان محلی پارس با مبدا تاریخگذاری اشکانی آشنا بوده اند. پس چرا از همان آغاز، دوباره شیوه سالهای جلوسی را مرسوم می کنند؟ آیا در تمام این مدت چهار صد و اندی سال حکومت اشکانیان - که از آنچه در سرزمین پارس می گذشت هیچ آگاهی ندریم - دیوانسالاران پارسی دوشیوه تاریخگذاری بکار می برده اند؟ یعنی در آغاز مبدا سلوکی و سپس مبدا اشکانی را بکار برده و همزمان از سال جلوسی نیز برای تاریخگذاری استفاده می کرده اند؟ (زیرا همانگونه که پیشنهاد کرده ای) سودمندتر و دقیق تر بوده است؟

متأسفانه امکانی برای بدست آوردن شواهد و مدارک بیشتر از آنچه موجود است دیده نمی شود. توجیه مستدل و هوشمندانه این معما کمک فراوانی برای درک وقایع خواهد بود.»

پاسخی که به نامه بالا در تاریخ هفتم نوامبر ۲۰۰۱ داده شد چنین بود:

«مری عزیز»

پرسیده ای که چرا ساسانیان برای تاریخگذاری دوباره سراغ شیوه دست و پاگیر سالهای جلوسی رفتند؟ پاسخ فشرده این است که از دیدگاه حکومت ساسانی (که بشدت زیر نفوذ روحانیت زرتشتی بود) مبدا سلوکی و اشکانی با باورهای بنیادین کیش زرتشت سازگار نبود. از این گذشته برای محاسبات گاهشماری و نجومی دقت لازم

را نداشت. پیش از آنکه در این باره توضیح بدهم شاید یادآوری چند نکته، برای پرهیز از آشفته گی ذهنی، سودمند باشد.

پرسشی را که مطرح کرده ای مبتنی بر این باور است که:

«همگان پذیرفته اند سلوکیان نخستین کسانی بودند که مفهوم مبدا گاهشماری را - که ابتکاری درخشان و عملی بود - ابداع کردند.» لطفاً توجه کن که:

۱ - ظاهراً از دیدگاه تاریخی این باور که وضع مبدا سلوکی نوعی نوآوری و ابتکار بوده درست نیست. اگر مراد از اصطلاح مبدا تعیین نقطه معنی و ثابتی در دراز ناک زمان باشد، تا از آن بمنظور اندازه گیری فاصله زمانی میان رویدادها استفاده شود، باید یادآور شد نخستین مبدا تاریخگذاری، تقریباً همزمان، در یونان و بابل وضع شد. اولین دوره بازیهای المپیک در سال ۷۷۶ پ. م در یونان برگزار شد. یونانیان از سال آغاز بازیهای المپیک به عنوان مبدا تاریخگذاری استفاده می کردند.

از سوی دیگر بنا به گفته بروسوس بابلی، نبو نصر شاه اکدی که در سال ۷۴۷ پ. م به تخت نشست، اسناد و مدارک مربوط به شاهان پیش از خود را جمع آوری و نابود کرد تا فهرست شاهان بابلی با نام او آغاز شود. (بورشاتین، ۱۹۷۸، ص ۲۲) نه تنها در نجوم بابلی از این مبدا استفاده می شد بلکه بطلمیوس نیز در محاسبات نجومی از این مبدا و سال ۲۶۵ روزه مصری استفاده می کند.

۲ - تا آنجائیکه می دانم علت جایگزین کردن تاریخگذاری با مبدا ثابت بجای سال جلوسی شاهان این بود که چون سلوکوس نیکاتور در سال سی و دوم سلطنت خود - سال ۲۸۰ پ. م - در گذشت دوازده سال از سال ۲۹۲ پ. م - که فرزندش انتیوخوس سوتر در سلطنت با او شریک شد گذشته بود. آشکار است اگر مؤسس سلسله سلوکیان از دوازده سال پیش از مرگش شریکی در سلطنت داشته کاربرد مبدا سال جلوسی ناممکن، یا دست کم دشوار، می شود.

۳ - نکته شایان توجه دیگر محاسبه با مبدا سلوکی و سال قمری - شمسی یونانی یا بابلی نیازمند محاسبات نسبتاً مفصل بانیت و قصد کیبسه کردن بود تا سال قمری و شمسی هم آهنگ شود. هنگام تاریخگذاری رویدادها موضوع کیبسه اهمیت چندانی ندارد اما چون پای محاسبات نجومی و پیش بینی زمان دقیق پدیده های سماوی پیش می آید کیبسه کردن مسئله ساز شده و دشواریهای بزرگ به بار می آورد. بهمین جهت حتی منجمین بیزانسی نیز از سال ۳۶۵ روزه یزد بزرگدردی، که همان سال مصر باستان بود، استفاده می کردند. در بابین توضیح می دهم چرا روحانیت زرتشتی و حکومت ساسانی دلبفر دقت هر چه بیشتر در محاسبات گاهشماری و نجومی بودند.

۴ - انگیزه وضع مبدا: باید تذکر داد که انگیزه نیرومند سلوکیان - یا هر کسی که اقدام وضع مبدا تاریخی می کند - اصولاً ربطی با محاسبات نجومی و مسائل گاهشماری ندارد. وضع مبدا تاریخی اصولاً انگیزه ایدئولوژیکی دارد. در مورد سلوکیان انگیزه سیاسی هم برانگیزه ایده تئولوژیکی افزوده شده بود. شواهد فراوان داریم که اقوام ایرانی، به رهبری قبیله پارس ها، بر این باور بودند که فتح بابل به دست کوروش دوم (کبیر) سرآغاز فصلی نوین در تاریخ اجتماعی و سیاسی آدمی بود. از سوی دیگر یونانیان پس از آنکه به پیشوایی مقبولین شاهنشاهی هخامنشی را نابود کردند اعتقاد راسخ داشتند شاهنشاهی هخامنشی آخرین حکومت فراگیر بربرهای آسیای غربی بوده است. در دوره ی سلطنت انتیوخوس سوتر بود که سلوکیان سنگ زاویه بنای مشروعیت حکومت و سروری یونانیان را بر این ادعا نهادند که با گشودن بابل بدست سلوکوس تاریخ تمدن و سیاسی آدمی ورق خورده است. و دوره عصر هلنیسم آغاز شده است.

۵ - مبدا سلوکی در دوره ساسانی این حدس را که در دوره ساسانی مبدا و گاهشماری سلوکی در ایران منسوخ و فراموش شده بود درست نمی دانم. می دانیم منجمین و مورخین دوره اسلامی با مبدا و گاهشماری «رومی» و «اسکندری»، که اسم های دیگر مبدا و گاهشماری سلوکی است، آشنا بوده اند. آثار و تالیفات این منجمین و مورخین آکنده است از اشاره به تاریخ اسکندری و تاریخ



مترجم همایون صنعتی زاده

رومی. منطقی این است که در سر تا سر دوره ساسانی - دست کم قشر باسواد جامعه ایرانی - با گاهشماری سلوکی آشنا بوده و از آن استفاده می کرده اند. اگر چنین نبوده ناچار باید فرض کرد گاهشماری سلوکی دوباره پس از فروپاشی شاهنشاهی ساسانی، رواج یافته است. این فرض آشکارا نامحتمل می نماید.

اما درباره ی مسئله ای که مطرح کردی برای آن راه حلی ارائه دهم:

تصور می کنم هم اکنون سر نخ این معما که انگیزه ساسانیان زرتشتی در نپذیرفتن مبدا سلوکی و مبدا اشکانی چه بوده است را در بند چهارم آنچه آمد دادم. بهتر از همه می دانی که زرتشت ادعا نداشت با تعالیم خود فصل نوینی در تاریخ آدمی باز کرده است. شواهد فراوان گواه آن است که کوشش داشت بگوید تعالیم نوین او نه تنها با باورهای دین پیشین ایرانیان تعارضی ندارد بلکه مکمل آنها است. این شواهد پیش از همه جا در جلد اول کتاب تاریخ کیش زرتشت تدوین و عرضه شده است. شاید بهترین نمونه آن شواهد - که در ضمن با سر نخ مذکور ارتباط مستقیم دارد - موضوع روز رستاخیز است که در فصل نهم جلد اول کتاب تاریخ کیش زرتشت بخوبی تحلیل شده است. جان کلام آنچه زرتشت می گفت و توجیهی که از اوضاع امروز جامعه آدمی می کرد مبارزه سخت و هولناک میان «نیکی» و «بدی» یا «فضیلت» با «شقاوت» بود. مبارزه ای که اصرار می ورزید سرانجام به پیروزی نهائی و قطعی نیکی بر بدی، در ساعت و روز معین، در پایان هزاره ی دوازدهم منجر خواهد شد. با چنین باوری طبیعی است که در دین و گاهشماری زرتشتی و حکومت ساسانی مبدا یا فصل نوین در تاریخ حیات بشری محلی از اعراب نداشته باشد. زرتشت وقوع رستاخیز و پایان گرفتن وضع آشفته کنونی را در آینده بشارت می دهد. طبیعی است که مبدا سلوکی و مبدا اشکانی - که تقلید آشکار از مبدا سلوکی است - با مبانی اصلی دین زرتشت تباین داشته باشد. هم چنین آشکار است چرا ساسانیان زرتشتی نمی توانستند زمان به قدرت رسیدن خود را به عنوان مبدا محاسبات گاهشمار بپذیرند. تنها کسی را که سراغ دارم متوجه این مطلب شده است ارنولد توین بی است. نگاه کن به فصل مربوط به مبدا های تاریخ در کتاب «مطالعه ای در تاریخ».

در بالا اشاره کردم در باور روحانیت زرتشتی قرار بر این است که فرانشگرد نه تنها در آینده بلکه دقیقاً در ساعت معین و روز معین، در پایان نبرد دوازده هزار ساله و پیروزی اهورامزدا بر اهریمن، صورت گیرد. بر این تصور که بعید نیست حساسیت روحانیت زرتشتی نسبت به دقت در محاسبه زمان از همین اعتقاد به اینکه فرانشگرد در روز معین و معلوم صورت خواهد گرفت ناشی می شود. اگر در این حدس اشتباه نکرده باشم این معما که چرا روحانیت زرتشتی - به احتمال زیاد در سالهای اول سلطنت داریوش گاهشماری مصری را پذیرفتند و در سر تاسر شاهنشاهی هخامنشی رواج دادند حل می شود. درباره جزئیات و خصوصیات گاهشماری مصری نگاه کن به مقاله «گاهشماری مصری» در کتاب «میراث مصر» منتشر شده توسط انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۴۲.

خلاصه می کنم وضع یا پذیرفتن مبدا تاریخی برای پیروان کیش زرتشت ظاهراً حکم انکار مبانی بنیادی آن کیش را دارد. مبانی مانند، مبارزه هولناک میان اهورامزدا و اهریمن، زمان بی کران و زمان کرانه مند، دوران آمیختگی که دوازده هزار سال طول دارد. سرانجام روز رستاخیز یا فرانشگرد که روز نوروز نماد آنست.»

جنگ نفتی خاتم الانبیا با هالی برتون!!

«سیاوش اوستا»



برتون مبلغ ۶۰۰ میلیون تومان برای امضای قراردادی در ایران به مقامات این کشور رشوه داده است. مثل همین پرونده ها در خود آمریکا نیز توسط برخی از سناتور ها مطرح شده است.

آقای هنری واکسمن نماینده کنگره آمریکا طی نامه ای به دیک چینی پرداخت رشوه هائی در سال های ۹۵ تا ۲۰۰۰ به مقامات ایرانی، لیبیائی، کره شمالی، سودان و سوریه را در جهت امضای قراردادهای چند میلیارد دلاری مطرح کرده است و سناتور فرانک لوتنبرگ نیز در رابطه با پرداخت رشوه به ایرانیان مواردی را مطرح کرده است.

دولت احمدی نژاد پس از طرح پرونده های رشوه خواری از طریق هالی برتون، عین قراردادهای پامساران با عنوان شرکت خاتم الانبیا واگذار کرد. پیش از آن نیز شرکت ملی حفاری ایران تلاش کرده بود تا جایگزین هالی برتون در ایران بشود.

در صورتی که از سال ۲۰۰۰ کمپانی هالی برتون دفتر رسمی خود را نه در دبئی و نه در کیش بلکه در تهران باز کرده است و کل کمپانی خود را از آمریکا به دبئی منتقل نموده است تا دچار تحریم های اقتصادی آمریکا علیه ایران و دیگر کشورهای منطقه نشود اما آقای خادمی عضو هیئت مدیره شرکت ملی حفاری ایران معتقد است که کلاً هالی برتون طی ۲۷ سال گذشته با دریافت میلیاردها دلار کارهای خود را هرگز به پایان نبرده است.

آقای خادمی می گوید که هرگاه قراردادی به پایان خود می رسد شرکت هالی برتون با طرح مسائلی سیاسی از اتمام کارها خودداری می کند.

مثلاً حفاری ۲۰ چاه به هالی برتون واگذار شده بود که طی پنج سال هنوز ۱۵ فاز از آن به پایان نرسیده لذا دولت قرارداد با هالی برتون را فسخ کرده و کار را به سپاه و شرکت ملی حفاری ایران واگذار کرده است. پیش از روی کار آمدن احمدی نژاد قرار بود تا در راستای همکاری های ایران با کمپانی هالی برتون و کمپانی های شل و توتال گاز ایران از طریق ترکیه به اروپا منتقل شود و یکی از بانک های فرانسوی نیز سرمایه گذاری این عملیات را به عهده بگیرد. اما با روی کار آمدن دولت جدید این پروژه ناکام مانده و بانک فرانسوی حاضر نشد با بودن احمدی نژاد این سرمایه گذاری را دنبال کند.

تحریم اخیر سپاه پاسداران از سوی آمریکا بیانگر همین مسئله جنگ نفتی می باشد در غیر این صورت سپاه پاسداران به عنوان یک نیروی نظامی و سرکوب و ترویج تروریسم از هنگامه تاسیس تا به امروز تغییری نکرده است و این که آمریکا پس از ۲۷ سال امروز به فکر تحریم آن افتاده به خاطر همین مسئله کمپانی هالی برتون است که به عنوان غول انرژی جهان، شرکت خاتم الانبیا سپاه با او وارد رقابت شده است و نه تنها قراردادهای ایران، بلکه سوریه، سودان، کره شمالی را نیز آرام آرام از دست هالی برتون درمی آورد.

در سال ۱۸۹۲ در روستائی نزدیک شهر تنسی آمریکا فرزندی به دنیا آمد که پدر خود را در دوازده سالگی از دست داد و به همراه چهار فرزند دیگر همگی یتیم شدند.

آرل پالمر چهارده ساله بود که خانه و کاشانه را رها کرده و سوگند یاد کرد هنگامی به زادگاهش باز خواهد گشت که یک میلیون دلار پول داشته باشد.

وی به کالیفرنیا رفته و به عنوان مکانیک هیدرولیک مشغول به کار شده و آنگاه که حقوق ماهیانه اش به ۱۰۰ دلار رسید ازدواج کرد. پس از چندی به تگزاس رفته و در آنجا در یک کمپانی نفتی در امور بتون سازی و تولید سیمان به کارگری خود ادامه داد.

وی در رابطه با بتون سازی چاه های نفت شیوه محکم و منحصر به فردی را ابداع کرد که توانست ابداع خود را به یک کمپانی در تگزاس بفروشد و هنگامی که ۳۲ سال بیشتر نداشت توانست با همان کمپانی که کارگری را در آنجا آغاز کرده بود شریک شود و با همکاری و شراکت صاحب کاران سابقش کمپانی هالی برتون اویل ویل سیمانتیک را پایه گذاری کند.

شرکت نفتی ساختمانی و مخبراتی هالیبرتون امروزه یکی از بزرگترین کمپانی های جهان است که در پنج قاره کره زمین از آمریکا و اروپا گرفته تا استرالیا و کره شمالی و لیبی و سوریه و ایران و سودان قراردادهای چند میلیارد دلاری را دنبال می کند.

از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ دیک چینی مدیر عامل این کمپانی بوده و سیاستمداران بزرگ آمریکا چون جرج بوش و خانم رایس نیز جزو سهامداران کمپانی هالیبرتون هستند.

این شرکت از دوران محمدرضا شاه در ایران مشغول به کار بوده و از فردای انقلاب علیرغم همه جار و جنجال های خبری و درگیری های سیاسی و غیره، فعالیت های چند میلیارد دلاری خود را در ایران دنبال کرده است.

هر چند در بهار امسال و سال پیش اعلام کرد که فعالیت های خود را در ایران تمدید نخواهد کرد اما زیر پوشش شرکت هائی که در دبئی و کیش و تهران تشکیل شده، کمپانی هالی برتون همچنان دستی در نفت ایران دارد.

شرکت هالی برتون که از مقاطعه کاران اصلی ارتش آمریکا است قراردادهای سنگینی را با پنتاگون، ناسا، جنرال الکتریک داشته و شریک اصلی صادرات نفت عراق نیز هست و سالانه با ارتش آمریکا حدود ۵ میلیارد دلار قرارداد کاری را به انجام می رساند.

از هنگام روی کار آمدن احمدی نژاد، تلاش دولت جدید در حذف هالی برتون بوده است و تاکنون در چند مورد پرونده های رشوه در دادگاه های ایران مطرح شده که در یکی از آنها ثابت شد که هالی